



محسن دل شکیب

کافه نادری

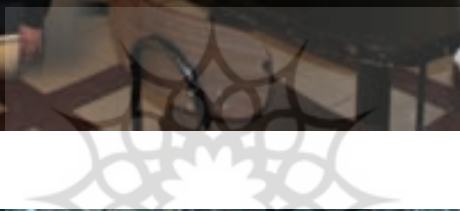
ردپای میراث

رشید یاسمین، صادق هدایت، انجوی شیرازی، عباس اقبال آشتیانی، جلال آل احمد و... را تحت هیچ شرایطی نمی‌توان از تاریخ فرهنگ و ادب ایران جدا نمود. این افراد، بدون تردید، به گردن همه‌ی ما حقی دارند. امروز دیگر ادای دین در مورد ایشان به مفهوم کمک مالی، مساعدت، تعریف و تمجیدهای حضوری و یا غیابی از آنان نیست. امروز ادای دین در حق آنان فقط به این صورت است که عملاً "اعتراف کنیم، ما نسبت به ایشان مدیونیم و به نسل یا نسل‌های بعد از خودمان، این پیام را منتقل کنیم که ایرانی در هر حال و شرایطی، حق شناس است و تا زمانیکه نام ایران و ایرانی شنیده می‌شود، چنین خواهد بود. این فقط فردوسی نبود که با عشق و احساس وظیفه نام نیاکان ندیده‌ی ما را پس از قرن‌های طولانی و پرتلاطم سرود و ستود و زنده کرد. ما نیز که خود را از نسل و از نواده‌گان ایشان می‌انگاریم باید به نوعی یاد، و خاطره‌ی نیاکان خود را عملاً "فراموش نکنیم. مثلاً": نظیر این که یادآوری اماکن، فضاها و پاتوق‌هایی که آن بزرگواران گردهم می‌آمدند، دیداری تازه می‌کردند تا بتوانند رسالت پیام رسانی ادبی و فرهنگی خود را به شکلی صمیمانه‌تر و به روزتر به ما منتقل کنند.

طی این سطور، مقصود ما انعکاس زندگی پرنشیب و فراز و حوادث رنگین حیات این بزرگان نیست، راستش در توان و امکانات محدود ما هم نیست، بلکه صرفاً "یاد آور می‌شویم که این از وظایف حتمی "سازمان محترم میراث فرهنگی" کشور است. (که با وجود نقاط قوت و ضعف فراوان هر یک از این بزرگان)، در سطحی گسترده برای احیاء و حفظ میراث فرهنگی - ادبی کشور به حفظ و احیاء آثار و قرائن و ردپای فکری این بزرگواران، که در کافه نادری و یا هر جای

کافه نادری، یکی از قدیمی‌ترین کافه‌های تهران به حساب می‌آید، و از جمله مکان‌هایی بود که شخصیت‌های برجسته به آن کافه رفت‌وآمد می‌کردند. کافه و هتل نادری در سال ۱۳۰۶ توسط یک مهاجر روس به نام خاجیک مادیکنانس ساخته شد. این کافه به دلیل قرار گرفتن در خیابان نادری به این نام مشهور شد. مادیکنانس برای اولین بار در تهران به کار شیرینی‌پزی پرداخت و بعد از مدتی در کنار کافه، هتلی نیز به همین نام احداث کرد. هتل نادری بعد از گراند هتل، دومین هتل ساخته شده در تهران بود. در این کافه برای اولین بار، غذاهای فرنگی مثل: بیف‌استروگانف و بیفتک و هم‌چنین کافه‌گلاسه، بستنی فرنگی، قهوه‌ترک و فرانسه به ایرانیان عرضه شد. کافه و هتل نادری با مساحتی در حدود ۳ هزار مترمربع، معماری خاص با سقفی بلند، دو سالن بزرگ، نوع غذا و نوشیدنی که در آن سرو می‌شد، توانسته بود مشتریان دائمی زیادی را جذب کند. هتل نادری نیز با توجه به نزدیک بودن به سفارت آلمان، انگلیس، روس، ترکیه، فرانسه و ایتالیا، محل رفت و آمد مسافران زیادی بود. پرسنل این کافه که همگی میان‌سال هستند، خاطرات زیادی را با خود به‌همراه دارند و پای صحبت هر کدام از آنها که بنشینیم، از چهره‌های سرشناس (غلامرضا تختی و...) در آنجا مطالب جالبی برای گفتن دارند.

گرچه این نام نیمه فرنگی و نیمه ایرانی است، ولی از نظر فرهنگی، یکی از ایرانی‌ترین نقاطی است که می‌شود درباره‌اش فکر کرد. گفتم از نظر فرهنگی، چون آدم‌هایی که در طول تاریخ این محل، در آن تردد داشته‌اند، بعضاً "از فرهنگی‌ترین مردم بوده‌اند که روزگاران به خود دیده است. نام‌هایی نظیر: پروین اعتصامی، سیمین دانشو، احمد شاملو، نیما یوشیج، بزرگ‌علوی،



مشتریان اتفاق افتاد، شکل سنتی و اولیه بنا از بین رفته است. از سوی دیگر هتل و کافه نادری با اینکه در سال ۱۳۸۲ به ثبت ملی رسیده، به حال خود رها شده است، تاجایی که صاحبان فعلی کافه، تصمیم به فروش کافه و یا تخریب آن مکان گرفته‌اند. اما هنوز جوانان زیادی با عشق علاقه به فرهنگ و تمدن اصیل این مرزوبوم، این گذشته ارزشمند را فراموش نکرده و به حرمت پاسداری از این گذشته اصیل، خاطرات آن روزها را زنده نگه داشته و تاکنون نگذاشته‌اند که کافه نادری به خاطره‌ای در کتاب‌ها تبدیل شود.

دیگری بپردازد و هم چنان که آقای یحیی آریان پور طی ۳ جلد کتاب خوبی که در این زمینه نگاشته است، (ولی کافی نیست) و دو جلد آن به نام "از صبا تا نیما" در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسیده، "سازمان محترم میراث فرهنگی" نیز با وجود امکانات وسیع خود، تا قبل از فوت فرصت‌ها، به‌طور گسترده به چنین اقدامی، مبادرت ورزد. اما متأسفانه، نه آن چهره‌ها، دیگر به کافه نادری سرمایه‌زندان و نه از آن فضای قدیمی و دلچسب خبری هست. از معماری قدیمی کافه نادری هم دیگر اثری باقی نمانده است. پس از آتش‌سوزی که در دهه ۵۰ به دلیل بی‌احتیاطی یکی از

